



نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: بوستان (حکایت ۱۳)

پایه: چهارم - پنجم - ششم

مقطع: دبستان





حکایت ۱۳

چه خوش گفت درویش کوتاه دست
گر او توبه بخشد بماند درست
به حقت که چشم ز باطل بدوز
ز مسکینیم روی در خاک رفت
تو یک نوبت ای ابر رحمت بیار
ز جرمم در این مملکت جاه نیست
تو دانی ضمیر زبان بستگان

که شب توبه کرد و سحر گه شکست
که پیمان ما بی ثبات است و سست
به نورت که فردا به نارم مسوز
غبار گناهیم بر افلاک رفت
که در پیش باران نیاید غبار
ولیکن به ملکی دگر راه نیست
تو مرهم نهی بر دل خستگان

باب دهم: در مناجات و ختم کتاب





شرح واژگان و دشواری ها

شکست: توبه شکست

سحر گه: صبح زود

کوتاه دست: ناتوان، سست

گر او توبه بخشد بماند درست: اگر خداوند توبه ی ما را ببخشد سر حرفش می ماند.

بی ثبات و سست: غیر قابل اطمینان و ناپایدار چشم ز باطل بدوز: چشم را به روی بدی ها و خطاها ببند

مسوز: نسوزان

نار: آتش - منظور آتش جهنم

به نورت: قسم به نورت

مسکینی: درماندگی، بی نوایی

روی در خاک رفت: از شدت ضعف و فقر صورتم به خاک افتاد. یا از خجالت شرمنده شدم که چیزی لایق تو ندارم

افلاک: آسمان ها

غبار گناهم بر افلاک رفت: گناهانم همه جا را فرا گرفت

نپاید: نماند

رحمت: مهربانی

ز جرمم در این مملکت جاه نیست: از زیادی گناهانم در این درگاه (درگاه خدا) مقامی ندارم.

خستگان: آزرده دلان

مرهم: دوا

ضمیر: درون، حرف دل



درک مطلب

۱- سعدی در این ابیات از خدا چه می خواهد؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>